

باز شناخت مارتینگل

نویسنده: مهدی طهماسب

در مورد ریشه کلمه مارتینگل ابهام وجود دارد. بعضی آنرا نام ریاضیدان فرانسوی قرن هفدهم می دانند، بعضی آنرا نام یک قمار باز حرفه ائی آمریکائی در کازینوها و بعضی آنرا نام تسمه چرمی که برای بستن دهانه اسب بکار میروند میدانند. فارغ از اینکه ریشه این کلمه از کجاست، همواره یکی از بزرگترین دغدغه های قمار بازان در طول تاریخ آن بوده است که چگونه میتوانند سود تضمین شده از قمار داشته باشند. گرچه تئوری مارتینگل در ابتدا برای کمک به آنان پایه گذاری شد، اما با پیدایش بازار های مالی، کاربرد وسیعی در استراتژی های معاملاتی پیدا کرد.

این تئوری بیان می کند که **در شرط بندیهایی که نتیجه آنها تنها محدود به دو حالت برد و باخت می شود**، قمارباز مبلغ A دلار شرط می بندد، به گونه ای که اگر برنده شود A دلار بدست می آورد و اگر ببازد A دلار از دست خواهد داد. در صورت باخت، قمار باز، در دور بعد مبلغ شرط بندی را دو برابر میکند. در اینحالت در صورت برنده شدن مبلغ 2A بدست خواهد آورد که مبلغ A دلار آن ضرر مرحله قبل را جبران می کند و مبلغ A دلار برای وی بعنوان سود، باقی خواهد ماند. حال اگر در مرحله دوم هم بازنده شود جمعاً 3A از دست خواهد داد که A دلار آن مربوط به ضرر مرحله اول و 2A آن مربوط به ضرر مرحله دوم خواهد بود و لذا در مرحله سوم حجم شرط بندی خود را می بایست به 4A یعنی دو برابر مرحله دوم برساند که در اینصورت در صورت برد 3A آن ضرر های مرحله اول و دوم را پوشش داده و A دلار آن سود حاصل از بازی خواهد بود و ... در اینصورت تنها کفایت قمارباز تنها در یک مرحله برنده شود تا سود حاصل از آن یک مرحله، علاوه بر آنکه تمام ضرر های قبلی را می پوشاند بلکه مقدار A دلار سود باقی می ماند.

بنابر این اگر قمار باز در n مرحله پشت سر هم ببازد، در مرحله n+1 می بایست حجم شرط بندی خود را به 2^n برساند. از طرفی احتمال اینکه قمار باز در n مرحله پشت سر هم ببازد (با احتمال برد و باخت 50-50) عبارتست از: $(0.5)^n$

فرض کنید شما **با تحلیل** یک پوزیشن باز می کنید. توجه کنید که اگر هیچ تحلیل هم انجام ندهید و تنها در جهت روند پوزیشن بگیرید بدون در نظر گرفتن اسپرد، احتمال برد شما بیشتر از 50% خواهد بود ولی ما در اینجا همان 50% را در نظر می گیریم. برای از بردن تاثیر اسپرد، از حسابهای که اسپرد پایین، ولی داری کمیسیون، مانند ndd فیبو یا ziro spread هات فارکس استفاده کنید. در اینصورت اگر سود مورد انتظار شما \$ 3 باشد و با حجم 0.01 و لوریج 500 پوزیشن بگیرید (استاپ و تی پی هر کدام 30 پیپ):

مرحله	حجم	میزان ضرر هر محله در صورت زده شدن استاپ	میزان ضرر تجمعی	سرمایه مورد نیاز	احتمال وقوع
1	0.01	3	3	3	50%
2	0.02	6	9	9	25%
3	0.04	12	21	21	12.5%
4	0.08	24	45	45	6.25%
5	0.16	48	93	93	3.125%
6	0.32	96	189	189	1.562%
7	0.64	192	381	381	0.781%

احتمال اینکه تحلیل شما هفت بار پشت سر هم اشتباه باشد، (در صورتی که احتمال برد و باخت را 50-50 در نظر بگیریم) تنها 0.78% است. یعنی کمتر از یک در صد. در حالی که تنها کفایت شما در جهت روند پوزیشن بگیرید که در اینصورت این مقدار بسیار کمتر از آن خواهد شد. زیرا احتمال برد شما بیشتر از 50% خواهد بود. از طرفی برای اینکه بتوانید تا مرحله هفتم پیش بروید نیاز به \$ 317 سرمایه خواهید داشت.

ممکن است پرسیده شود اگر \$ 317 سرمایه را تهیه کردیم و از بخت بد، هر هفت تحلیل ما پشت سر هم اشتباه از آب در آمد چه؟ در اینصورت کال مارجین خواهیم شد!!! در جواب خواهیم گفت تردری که هفت تحلیل پشت سر هم او اشتباه باشد، یعنی هیچ چیز از تحلیل نمی داند. یا باید اینکار را رها کند و به کار دیگری بپردازد و یا اینکه مجدد همه چیز را از اول و با یک حساب دمو شروع کند!!!!

شما در هر مرحله باید جدا و مستقل از مرحله قبل تحلیل کنید و پوزیشن بگیرید که ممکن است بین هر مرحله و مرحله بعدی، مدتی فاصله نیز بیفتد زیرا ممکن است استراتژی شما سیگنالی صادر نکند. بنابراین این مارتینگل یک استراتژی نیست. بلکه شما باید یک استراتژی داشته باشید و با مارتینگل آنرا کامل کنید

حال روشی که به نام مارتینگل معروف شده است به اینصورت است که: هنگامیکه قیمت یک محصول مالی در حال کاهش (افزایش) است، تریدر مقداری خرید (فروش) انجام می دهد و هر بازر که قیمت پایین تر (بالا تر) رفت یک خرید (فروش) دیگر با حجم دوبرابر قبل انجام می شود (اصلاً یک پله زده می شود) و اینکار تا جایی ادامه پیدا می کند که روند برگردد و نهایتاً تریدر با سود خارج شود. البته در صورتی که سرمایه تریدر تمام نشده باشد!!!!). این روش در صورتی که قیمت آن محصول مالی بصورت فاندمنتالی در حال کاهش (افزایش) باشد، می تواند منجر به نابودی حساب تریدر گردد.

خوب سوال اینجاست که این روش چه ربطی به تئوری مارتینگل خدایامرز دارد؟ در تئوری مارتینگل هر مرحله مستقل از مرحله قبلی است و احتمال برد و باخت مساوی است (که البته همانگونه که عرض کردم اگر تنها در جهت روند پوزیشن بگیرید احتمال برد را بیشتر از 50٪ کرده اید). اما در این روش هنگامیکه با پایین رفتن قیمت پوزیشن Buy گرفته می شود به وضوح احتمال ضرر را بیشتر کرده ایم. ضمن اینکه در این روش فرض اساسی مارتینگل نادیده گرفته شده است و آن اینکه نتیجه هر بار آزمایش (یا ترید یا قمار) باید تنها شامل دو حالت برد و باخت باشد در حالی که قیمت بصورت پیوسته حرکت می کند. بنابراین به نظر بنده در صورتی که مارتینگل نه بعنوان یک استراتژی بلکه به عنوان تکمیل کننده یک استراتژی در شکل درست آن بکار برود میتواند بسیار مفید باشد.

موفق و پرسود باشید